

۱۷ ژوئن ۲۰۱۹ - ۲۷ خرداد ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

از خرداد ۶۰ تا دیماه ۹۶

ورق برگشته

آذر مدرسی

سی خرداد سال ۶۰، یادآور کشتار وسیع و خونین هزاران هزار نفر، یادآور اعدامهای دسته جمعی و توحشی و جنایتی بیسابقه در تاریخ جامعه بشری است. جنایات و فاجعه عظیم تاریخی که تنها و تنها پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، همه ابعاد دهشتناک آن، برجهانیان آشکار خواهد شد. همانگونه که آشویتس، تنها پس از سقوط حزب نازی، از پشت صحنه حاکمیتی "قانونی" در مقابل چشمان و وجدان جهانیان قرار گرفت. خرداد ۶۰، مقطعی در حیات جمهوری اسلامی ایران است که طی آن روزانه صدها انسان انقلابی، آزادیخواه و کمونیست را به جرم ظاهر چپی داشتن، به جرم بدحجابی، به جرم همراه داشتن اطلاعیه یک سازمان چپی یا داشتن فلفل در جیب و با یک سوال "خدا را قبول داری یا نه"، "کمونیستی یا نه" تیرباران و در گورهای بی نام و نشان دفن میکردند.

روزهایی که هزاران هزار خانواده بی گناه ترین جوانان زندانی پرشور و انقلابی، از روی لیست بلند بالای اسامی منتشر شده تیرباران شدگان در روزنامه ها و یا با دریافت وصیت نامه ها، خیر سرنوشت فرزندانشان را می شنیدند. بسیاری هرگز گور عزیزان اعدام شده شان را حتی پیدا نکردند!

این مقطع روزهای عربده کشی چاقوکشان و جلادان اسلامی، در خیابانها، زندانها، دانشگاهها و کارخانه ها بود. سی خرداد ۶۰ اما در جدالی که در جامعه ایران بر سر آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در جریان بود جایگاه ویژه تر و سیاهتری دارد.

سی خرداد ۶۰ کودتای ضد انقلاب حاکم علیه انقلابی بود که هنوز نبض آن در دانشگاه، کارخانه، کردستان، ترکمن صحرا و ... میزد، علیه مردمی بود که هنوز در سنگر دفاع از انقلاب و قیام شان علیه جلادان و فلائذهای حاکم میجنگیدند و حاضر به عقب نشینی نبودند.

صفحه ۳

خط قرمزهای جمهوری اسلامی!

مظفر محمدی



محمد جعفر منتظری دادستان کل زن باقی نمانده است. کشور گفته است: "بدحجابی خط قرمز جمهوری اسلامی است." اداره مملکت را زده اند. قید جواب جمهوری اسلامی چقدر خط قرمز دارد! رهبری خط قرمز است. نظام خط قرمز است. مقدسات جمهوری اسلامی خط قرمز است. کمونیسم خط قرمز است. اعتصاب کارگر و اعتراض معلم خط قرمز است... پوشند و... اکنون مقاومت در برابر زمانی فقط ولایت فقیه خط قرمز جمهوری اسلامی بود حالا که ولایت و رهبری از طرف خودبهایشان لگد خورده است، دیگر جایی برای خرده خط و خطوط های رنگ باخته ی حاکمیت فاسد و جنایتکار و دشمن کارگر و دشمن

مرزهای کردستان مستقر کرده اند. نفس کولبری مثل زباله گردی کودکان و گورخوابی فقرا برای هر بورژوازی که ادعای حاکمیت و اداره جامعه را دارد ننگ و لکه سیاهی بر پیشانی است. اما این جنایتکاران، حتی بجان کولبران هم رحم نمی کنند.

•گردانهای منکرات را برای توهین و بی حرمتی در شهرها و خیابان ها رها کرده اند. سگ های هاری که فقط کارشان گرفتن پاچه ی زنان و دختران این مملکت است. چه شغل کثیف و خجالت آوری!

•بسیجیان بدبخت را به عکس

صفحه ۴

صفحه ۲

صفحه ۳

دو کیفر خواست!

قمار "بازنده ها" با زندگی زندانیان هفت تپه

طبقه کارگر، میلیتاریسم آمریکا و

جمهوری اسلامی

خالد حاج محمدی



هفته گذشته پا به پای سفر وزیر امور خارجه آلمان و نخست وزیر ژاپن به ایران با هدف مهیا کردن شرایط مذاکره میان ایران و آمریکا، تلاشهایی که تا کنون بی نتیجه مانده است، شاهد تشدید فضای نظامی و میلیتاریستی در منطقه بودیم. حمله به نفتکش ژاپن در نزدیکی تنگه هرمز، ادعای آمریکا و عربستان در دست داشتن جمهوری اسلامی در این حمله و تصمیم دولت انگلیس در اعزام تنفگذاران ویژه خود به خلیج فارس، بار دیگر سایه جنگ را بر فضای "حل کشمکش از طریق مذاکره" انداخت. ترامپ و متحدینش با هدف فشار به ایران، با توسل به تحریم، تهدیدات جنگی و میلیتاریزه کردن منطقه، به امید مذاکره و تحمیل شرایط خود به جمهوری اسلامی وارد این کارزار شدند. تصور میکردند با اتکا به ابزارها، ایران را وادار به عقب نشینی هایی کرده و پیروزمند از این ماجرا بیرون میابند. امیدشان این بود که این پیروزی به ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا امکان دهد در داخل آمریکا موقعیت بهتری پیدا کنند و به "مدارک" و ادعاهای آمریکا و متحدین منطقه ای آن اعتمادی

موقعیت آمریکا در مقابل رقبای بین المللی را به ارمغان آورد. اهدافی که پس از گذشت چند ماه نه فقط متحقق نشده، بلکه با بن بست کامل روبرو شده است.

برعکس، متحدین منطقه ای آمریکا، علیرغم دامن زدن به فضای جنگی، خواهان به راه افتادن جنگی که کل منطقه را به آتش میکشد نیستند، رقبای بین المللی آمریکا امروز علنا در مقابل فشارها و فضا سازی های دولت آمریکا ایستاده و اعلام میکنند آمریکا موقعیت بهتری پیدا کنند و به "مدارک" و ادعاهای آمریکا و متحدین منطقه ای آن اعتمادی

آزادی برابری حکومت کارگری

دو کیفرخواست!

اعتصابات کارگری، معلمان، بازنشستگان و اعتراضات دانشجویان و خیزش توده ای زحمتکشان در دوره اخیر، یک کیفرخواست علیه سرمایه داری و حاکمیتش در ایران بود. در این کیفرخواست، طبقه کارگر به سرمایه داران و حکومت شان اعلام کرده است که در یک تباری تبهکارانه، سفره مردم را خالی، امنیت و سلامت جامعه را بحد فلاکت و کشتار جمعی رسانید ۶۰ درصد جمعیت ایران را زیر خط فقر نگه داشتید، کل داراییهای مملکت را قبضه کردید، فاسدید، دزدید، اختلاسگرید، احتکار می کنید، قاچاقچی موادمخدرید، شکنجه گرید، قاتلید، هر دو ساعت یک نفر را اعدام کردید، کودکان ما را به زباله گردی، فقرا را به گورخوابی سپردید. چوب حراج به کارخانه ها و نیروگاه ها و اموال و داراییهای جامعه زدید. شما صلاحیت اداره جامعه را ندارید ما خود آنرا اداره می کنیم. ما طبقه کارگر و مردم را به تشکیل شوراهای کارگری و مردمی فرا می خوانیم و بساط استثمار و استبدادتان را جمع می کنیم! این کیفرخواست طبقه کارگر ایران به طبقه حاکم و نظام اش است.

از طرف دیگر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای رهبران کارگری و معلمان، فعالین سیاسی و مدنی... برای کسانی که در صف مقدم مبارزه برای یک زندگی انسانی، مرفه، امن، برابر و آزاد ایستادند، یک کیفرخواست رنگ باخته، بی آبرو و آشنا برای مردم را در جیب و روی میز دارد. این کیفرخواست حکم ننگینی است که برای هر معترض به وضع موجود و حتی کارگری که فقط حقوق معوقه اش را می خواهد، صادر می شود. از قبیل: "اقدام علیه امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام"، "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی"، "تجمع و تباری"، "توهین به مقدسات و مقام رهبری" و بالاخره "همکاری با احزاب".

امروز باز بخشی از این کیفرخواست آبرو باخته دستگاه قضایی علیه اسماعیل بخشی، امیر امیرقلی، سناز الهیاری، امیرحسین محمدی فر، سپیده قلیان، عسل محمدی و علی نجاتی از نمایندگان کارگران هفت تپه و خبرنگار و نویسندگان نشریه گام، از جیب قضات جمهوری اسلامی در آمده و روی میز تعدادی از شریف ترین انسانهای جامعه ما قرار گرفته است.

اما این کیفرخواست به تنهایی علیه چند فعال کارگری و سیاسی نیست. بلکه علیه زندگی زیر فقر ۶۰ درصد مردم ایران است. مردمی که از خیزش دیمه و اعتصابات بزرگ کارگری، اذهان حکام سرمایه داری ایران را تشویش کرده اند، نظام شان را به چالش کشیده اند و امنیت تبهکاری و فساد و دزدیهایشان را بخطر انداخته اند.

سران جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی میدانند که مبارزه طبقاتی و اعتصابات کارگری و خیز برداشتن کارگران و زحمتکشان به اتحاد و همبستگی و سازمان شورایی شان به چند رهبر کارگری و خبرنگار و روزنامه نگار چه

محدود نمی شود. میدانند علیرغم چهار دهه سرکوب وحشیانه، هر روز باد درو کرده و امروز در مقابل قد علم کردن طبقه کارگر و اعتراض معلمان و بازنشستگان و مبارزان سیاسی از همیشه مستاصل تر اند.

کارگران اجازه نخواهند داد دوستان و رهبرانشان در بند بمانند و کیفرخواست تکراری و آبرویافته دشمن را به استهزا می گیرند. دشمنی که حتی جرات رودررویی با یک کارگر را در یک مناظره برای پاسخ به شکنجه ها و سرکوبگرهایشان را ندارد.

آزادی کارگران و مبارزین سیاسی محبوب مردم سرلوحه مبارزات جاری جامعه است. ما باید در این جدال طبقاتی و در دفاع از آزادی و معیشت و رفاه و امنیت علیه دشمن زبون، پیروز شویم.

حزب کمونیست کارگری
حکمتیست - خط رسمی
۲۴ خرداد ۹۸ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۹)

طبقه کارگر، میلیتاریسم

جمهوری اسلامی نیز با علم به این واقعیت و درک موقعیت آمریکا، سیاست "کوتاه نیامدن" در مقابل ترامپ و متحدینش را در پیش گرفته و به تبلیغات ضد امریکایی و زنده نگاه داشتن فضای جنگی دست زده است. بن بست موجود و موضع هر دو هیئت حاکمه به قماری خطرناک نزدیک شده است که، مستقل از نیت آنها، میتواند جنگی ناخواسته را به مردم ایران و منطقه تحمیل کند. بازی خطرناکی که با هدف مذاکره شروع شده بود امروز خاورمیانه را به بشکه باروتی تبدیل کرده که با جرقه ای از طرف هر دولت و باند مساحی میتواند منفجر شود و فاجعه ای عظیم را، که ویرانی عراق و سوریه در مقابل آن اتفاقاتی کوچک خواهند بود، خلق کند. فاجعه ای که بهای آنرا مردم ایران و منطقه با زندگی خود خواهند پرداخت.

هنوز جنگ و حمله نظامی به راه نیفتاده است اما جنگ اقتصادی علیه مردم ایران مدتهاست در جریان است. جنگی که فقر، گرانی و گرسنگی را به بخشی از زندگی روزمره اکثریت بزرگی از کارگران و اقشار مزدبگیر در ایران تبدیل کرده است. جنگی که ظاهرا علیه جمهوری اسلامی، سران و دستگاههای سرکوب آن به راه افتاد اما قربانیان آن میلیونها انسانی اند که تحریمها فلاکت و فقر آنان را چندین برابر کرده است. جنگی که عواقب زاینبار آنرا بر مبارزه این طبقه علیه حاکمیت و برای آزادی و رفاه و برابری، در باز کردن دست جمهوری اسلامی در سرکوب، تحمیل فضای پلیسی و تشدید فشار سیاسی بر جامعه مشاهده میکنیم. تحمیل فقر به بهانه تحریمها، تعرض علیه زنان، تشدید فضای پلیسی و نظامی در شهرهای بزرگ ایران، تشدید فضای پلیسی در مراکز کارگری، دستگیری فعالین کارگری، دانشجویان، معلمین، زنان و تهدید و ارباب به جامعه، عربده کشی فرماندهان و روسای سپاه پاسداران و مسئولین اطلاعاتی آنها، رو به مردم و به بهانه خطر "جنگ" با آمریکا و... تنها گوشه ای از عواقب "فشارهای حداکثری" دولت ترامپ به جمهوری اسلامی و "حمایت از مردم ایران" است.

خاتمه فضای نظامی و جنگی در منطقه، پایان دادن به قلدری آمریکا و تحریمهای اقتصادی، بی تردید برداشتن بزرگترین مانع از راه حضور قدرتمند طبقه کارگر در این دوره و به مصاف طلبیدن کل میان بخشهای مختلف مردم بوجود آورده است.

طبقه کارگر ایران و مردم در ایران در یکی از حساس ترین و سخت ترین دوره ها در جدالی بر سر آینده خود به سر میبرند. مقابله همزمان با قلدری نظامی آمریکا و تحریمها و با حکومتی که ارمغانی جز فقر و فلاکت، استبداد و خفقان، جهل و خرافه، تبعیض و نابرابری و نا امنی برای هشتاد میلیون انسان نداشته امروز در دستور طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران قرار گرفته است.

ایران "پسا هفت تپه و فولاد" نشان داد دوره عربده کشی های حزب الله و دارودسته های اطلاعاتی و امنیتی پایان یافته است. نشان داد فشار و تلاشهای حاکمیت در این اوضاع نه تنها پایین را تسلیم نمیکند، بلکه عدم موفقیت حاکمین در سرکوب و تسلیم جامعه، بنیادهای حاکمین را شل و جنگ و انشقاق در بالا را دامن میزند. نشان داد تعرض به زنان، تهدید و ارباب کارگر هفت تپه و فولاد و کارگران معترض در گوشه و کنار این مملکت، امنیتی کردن فضای دانشگاهها، زندانی کردن معلمین و فشار به خانواده زندانیان و ... نه فقط هراسی در دلها ایجاد نکرده که عزم، اتحاد، تشکل و همبستگی عمیقتری را

قمار "بازنده ها" با زندگی زندانیان هفت تپه

طبق اخبار معتبر منتشر شده در داخل و خارج از کشور، وضعیت سلامت زندانی سیاسی ساناز الهیاری، از اعضا تحریریه نشریه گام، بسیار نگران کننده است.

طبق این اخبار ساناز الهیاری، که به همراه همسر خود، امیرحسین محمدی فرد، روز ۱۹ دی ماه ۹۷، بیش از پنج ماه پیش، به جرم انعکاس اخبار اعتصابات هفت تپه و فولاد و حمایت از مبارزه کارگران، دستگیر شده بود، در شرایط بسیار سخت و خطرناک، از نظر جسمی و روحی، بسر میبرد.

کمپین حقوق بشر در ایران روز دوشنبه ۲۰ خرداد گزارش کرد که ساناز الهیاری به شدت بیمار است و درخواست‌های خانواده‌اش برای انتقال به بیمارستان به منظور معاینات تخصصی‌تر، تاکنون با مخالفت مسئولین زندان روبرو شده است و ادامه این وضعیت می‌تواند صدمات جانی و روحی جبران ناپذیری بدنبال داشته باشد. به نقل از پزشک زندان گفته شده است که وضعیت سلامتی ساناز الهیاری، علیرغم نیاز فوری به دارو و مداوای مناسب همچنان از طرف مقامات زندان و حکومت، با بی‌اعتنایی کامل مواجه می‌شود.

طبق آخرین اخبار رسیده، امروز ۲۶ خرداد، پدر ساناز الهیاری پس از ملاقات با

پخش و تکثیر روزنامه های چپی و کارگری در میان طبقه کارگر، رابطه و همفکری با فعالین کارگری بخصوص در ایران پناهفت تپه و فولاد، دستاورد طبقه کارگری است که یکی از وحشی ترین، جنایتکارترین و خشن ترین حکومت های معاصر را به بن بست و استیصال کشانده است.

پرونده سازی ها و دستگیری ها و "مستند سازی ها" می مهوع، فشارها و به بازی گرفتن جان و سلامت زندانیان سیاسی، تلاش برای سازمان دادن و توطئه برای به قتل رساندن، سر به نیست کردن و خفه کردن صدای اعتراض خانواده های آنها در شرایط امروز، جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آنها نجات نمی دهد. این تنها و تنها قمار حکومت "بازنده ها" است به امید بقا! میدانند که به خطر انداختن جان و سلامت زندانیان سیاسی، این عزیزترین و محبوب ترین فرزندان جامعه و طبقه کارگر، نجات شان نمی دهد. اما مگر در قمار، "بازنده ها" همه هستی و نیستی خود را به بازی نمی گیرند؟

جز این قمار چه می توانند بکنند؟ دستگیری و شکنجه و قتل در زندان و اعدام و گرو گرفتن نان و هستی و معیشت رهبران اعتراضات کارگری و مردمی، تلاش در بستن فرجه نفس تازه کردن در رابطه رهبران کارگری با پایین و با محرومین، بیهوده و بی تاثیر است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی)

۲۶ خرداد ۱۹۹۸
۱۶ ژوئن ۲۰۱۹

از خرداد ۶۰ تا دیماه ۹۶ مرگ بر سراسر ایران برای دهه ها، نتوانست نسل های بعدی و مردمی را که سیه سال قبل به امید آزادی، به انقلاب فرهنگی در دانشگاهها و تصفیه دانشجویان چپ و کمونیست، در ادامه مسلح و دیکتاتوری را به زیر کشیده حمله به کردستان و "نوروز خونین سنندج"، آخرین حلقه از سرکوب خونین انقلاب و جدال انقلاب و ضد انقلاب در ایران بود. حلقه ای که با کشتار نسلی از جوانان آزادیخواه و انقلابی و نابودی هر چیزی که شائبه ای از انقلاب ۵۷ و انقلابیگری آن داشت و پیروزی ضد انقلاب منتهی شد.

اما خرداد شصت و حمله و موشک باران کردستان و قتل عام نسلی از پرشورترین فرزندان انقلابی ایران و پاشندن خاک مردم محروم! مهر حضور طبقه کارگر آگاه و متشکل در راس آن!

جهان میگوید: دیماه ۹۶، سی و شش سال بعد از خرداد ۶۰، جنبشی که در سی خرداد وحشیانه به خون کشیده شد، دوباره قد علم کرد و یکبار دیگر ارتجاع را به جنگ طلبید. در کمتر از دو سال این جنبش عمیقتر، گسترده تر، رادیکالتر، خودآگاهتر و متحدتر به جنگ ارتجاع رفت و زمین را زیر پای آن به لرزه در آورد.

جنبش و طبقه کارگری که در سال ۵۷ "ضدیت با شاه" و "امپریالیست" مرز دوستی و دشمنی اش را تعیین میکرد، امروز صد برابر آگاهتر، روشن تر، چپ تر در مقابل دشمنان خود صف بسته و آماده

زنده باد سوسیالیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی

خط قرمزهای

گرفتن از دختران و زنان در منازل و ماشین ها و خیابان ها تشویق می کنند. "آتش به اختیار" اوج استیصال بورژوازی ورشکسته و آبرو باخته و آخرین سنگری است که در مقابل مردم گرفته است. اما مدت زمان طولانی است که مساله حجاب اسلامی توسط زنان و دختران جوان بر سر چوبدستی ها و به تمسخر گرفته شده است. این آب ریخته قابل جمع آوری نیست. این شیشه شکسته ی حجاب اسلامی قابل ترمیم نیست. تاریخ به عقب بر نمی گردد. جنبش زنان امروز از مساله حجاب عبور کرده و به کم تر از برابری کامل زن و مرد رضایت نمی دهد. جنبش زنان اکنون بخشی از جنبش طبقه کارگر برای راهی کامل زن است. خواست طبقه کارگر و همه ی زحمتکشان و ستمدیدگان بر پرچم آزادی و برابری نوشته شده است. آزادی، رفاه و امنیت حداقل مطالباتی است که بر پرچم مبارزات طبقاتی و اجتماعی اکثریت جامعه نقش بسته است. جنبش زنان از لیبرالیسم سرسپرده ی آمریکا امثال عبادی ها و علینژادها عبور کرده و به سوسیالیسم طبقه کارگر نزدیکتر و پیوند خورده است. وقتی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران گفتند "علینژاد، ارتجاع" آخرین میخ را بر تابوت ارتجاع بورژوازی اپوزیسیون نوکر بارگاه ترامپ و پمپئو، در عرصه مبارزه زنان، کوبیدند. جنبش زنان در ایران رهبران رادیکال و انقلابی خود را دارد. امروز هر کسی مدعی رهبری و مبارزه برای حقوق و آزادیهای زن است، باید به امثال سپیده قلیان ها، الاهیاری ها، پروین ها و غسل محمدی ها و... اقتدا کند. چرا که زنان و دختران جوان در ایران، به کم تر از برابری کامل زن و مرد رضایت نمی دهند. جنبش نوین کمونیستی ایران، و حزب آن (حکمتیست - خط رسمی) قطب نمای سیاسی این جنبش است. جنبشی که راهی زن را تنها در تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری ممکن و عملی می داند. کمونیسم ما و طبقه کارگر نوید بخش راهی زن از همه ی قید و بندهای تبعیض و ستم و نابرابری شده است.

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

راديو نينا

www.radioneena.com

تلگرام راديو نينا

@Radionenna

اینستا گرام راديو نينا

https://www.instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متحد و متکفل شوید!